

ضرورت گشایش در مذاکرات



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

دور چهارم مذاکرات که باید شنبه گذشته برگزار می‌شد و نشد، موجب غلیاناتی در ایران، آمریکا و منطقه شده است. اختلاف‌های داخلی در تیم ترامپ و مواضعی که در دور سوم به ایران اعلام شد، می‌تواند دلایل اصلی تعویق باشند. منظور ترامپ از تکرار «ایران نباید بمب اتمی داشته باشد»، روشن نبود. برخی آن را به این معنا تفسیر می‌کردند که ایران می‌تواند یک «کشور در آستانه داشتن سلاح اتمی» باشد و امکانات ساخت بمب را داشته باشد، اما تصمیم برای ساخت آن را نگرفته باشد. اما برخی دیگر موضع ترامپ را مترادف با توقف غنی‌سازی در ایران تفسیر می‌کردند و مدعی بودند که «ایران در آستانه» یا ادامه غنی‌سازی در ایران موجب تحریک دیگر کشورهای منطقه برای کسب موقعیتی مشابه می‌شود. در چنین بستری، سخنان وزیر خارجه ترامپ که بعد از مایک والتز با حفظ سمت، مشاور امنیت ملی ترامپ نیز شده است و در نهایت سخنان خود ترامپ در روز یکشنبه را شاید بتوان ختم اختلاف‌ها در داخل دولت او به‌شمار آورد. ترامپ در سخنان جدیدش از «جمع‌کردن کامل برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان تنها راه‌حلی که خواهد پذیرفت»، گفت. این سخنان و اعلام برخی تحریم‌های جدید نفتی و پتروشیمی قبل از آن، شرایط جدیدی را ایجاد کرده است. سخن دیگر ترامپ مبنی بر اینکه «کشوری که با ایران تجارت کند نمی‌تواند با آمریکا تجارت کند»، که معلوم نیست یک اشتباه لفظی است یا سیاسی جدید، بر غلظت این مواضع افزود. این موضع‌گیری‌ها هم‌زمان با تماس‌های رهبران جمهوری خواه و مسیحیان تبشیری و دیگر حامیان ترامپ با او و بحث‌هایی درمورد اینکه توافق جدید نباید شبیه برجام ۹۴ باشد، مهم است. ترامپ همیشه بایدن و اواما را متهم کرده که از طریق برجام و رفع تحریم‌ها، به ایران امکان داده‌اند تا پولدار شود و به «گروه‌های نیابتی» کمک کند. نگرانی ترامپ این است که به لحاظ سیاسی در برابر تشبیه یک توافق جدید احتمالی به برجام آسیب‌پذیر باشد. در مقابل، هر راه‌حلی که هدفش اجتناب از چنین تشابه‌سازی باشد، با مواضع اولیه و اصولی ایران مثل ادامه غنی‌سازی و رفع تحریم‌ها که دو پایه اصلی برجام ۹۴ هستند، برخورد پیدا می‌کند و ممکن است برای ایران غیرقابل قبول باشد. ورود اروپا به این معادله در جهت اعمال فشار به ایران نیز مهم است. تهدید وزیر خارجه فرانسه به اعمال تحریم‌های اروپا که با برجام لغو شدند، در این رابطه است. جو اخیر در سطح برخی رسانه‌های ایران و معدودی از مسئولان مبنی بر اینکه اروپا دیگر بی‌اهمیت است، هم نادرست است و هم زبان‌بار. اقتصاد کل اروپا بزرگ‌تر از اقتصاد آمریکاست. تمدن اروپایی و قدرت رسانه و مدنی اروپا همچنان یکی از عناصر قدرت است. دو کشور اروپایی، هم هسته‌ای هستند و هم عضو دائم شورای امنیت. به‌علاوه، اروپا یکی از دو ستونی است که روسیه را در باتلاق اوکراین گیر انداخت و نشان داد که قدرت نظامی متعارف روسیه در یک قدرت متوسط منطقه‌ای است. سال‌ها در ایران برخی کوشیدند تا بر مبنای تصویری غلط، اروپا را در برابر آمریکا قرار دهند؛ اکنون همان برخی بر مبنای همان تصورات غلط، تلاش دارند آمریکا را در برابر اروپا علم کنند. با وجود لفاظی‌های ساده‌لوحانه ترامپ، وابستگی اروپا و آمریکا به هم ریشه‌دار است. مکانیسم ماشه در دست اروپا نیز تنها به این درد می‌خورد که اهرم فشاری علیه ایران باشد. چه اینکه این ماشه در صورت عدم توافق ایران و آمریکا قطعاً چکانده می‌شود؛ چراکه مهم‌تر از احیای قطع‌نامه‌های قبلی، برای لگه‌داشتن ایران در دستور کار شورای امنیت ضروری است و در صورت توافق قطعاً چکانده نخواهد شد. در نهایت، با توجه به سابقه حمایت سیاسی اروپا از ایران (نه اقتصادی که نمی‌توانست) در جریان خروج ترامپ از برجام و خنثی‌کردن تلاش او برای چکاندن مکانیسم ماشه در اکتبر ۲۰۲۰، منافع ایران ایجاب می‌کند رابطه با اروپا که به خاطر قضیه اوکراین شدیداً لطمه خورده است، بازسازی شود. لذا عدم ملاقات با اروپا در شنبه گذشته اقدام اشتباهی بود. به هر حال، روشن است که نیل به حداقلی از توافقی برای ایران مهم و ضروری است. اگر احتمال برخورد نظامی جدی نباشد که هست، حداقل ایران در شرایطی نیست که بتواند یک «فشار حداکثری» سه، چهارساله را تحمل کند. همین نوسانات در نرخ ارز و شاخص‌های بورس در واکنش به خبرهای مذاکرات، گویاست. صرف‌نظر از اینکه مذاکره در عمل به چه صورت پیش خواهد رفت، ایران نباید با تمرکز بر روی برخی امور غیرمهم و مشکلی مانند غیرمستقیم‌بودن مذاکرات به آمریکا امکان دهد که تقصیر را گردن ایران بیندازد.

تداوم دیپلماسی در سایه توقف گفت‌وگوها؛ تهران منتظر زمان جدید از سوی عمان

پایداری برمدارمذاکره

وحیده کریمی؛ با وجود توقف موقت در مسیر گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن، دستگاه دیپلماسی ایران نشانه‌ای از عقب‌نشینی بروز نداده و همچنان خود را متعهد به تداوم مسیر دیپلماتیک می‌داند. درحالی‌که ناظران، تعویق دور چهارم مذاکرات را ناشی از اختلافات پنهان و فشارهای متقابل ارزیابی می‌کنند، سخنگوی وزارت خارجه از انتظار تهران برای اعلام زمان جدید از سوی عمان خبر داده است.
دراین‌میان سفر پیش‌روی عباس عراقچی به دهلی‌نو برای شرکت در نشست کمیسیون مشترک ایران و هند می‌تواند حامل پیام‌هایی از تداوم فعال‌گرایی منطقه‌ای تهران با تاکید بر نقش میانجیگری ایران میان پاکستان و هند در شرایط بلاکلیفی مذاکرات باشد.
«اسماعیل بقائی» در نشست خبری دیروز خود درباره سفر وزیر خارجه به پاکستان نیز گفت: این سفر در چارچوب رایزنی مستمر و نزدیک ایران با کشورهای

بازخوانی سه برنامه جنجالی و یک بحران عمیق

صداوسیما علیه صداوسیما

صفحه ۱۰

یادداشت

مهاجرت سرمایه از وال استریت:دهلی، وارث ژئواقتصادی نظم نو؟



روزبه خسروخوار

با بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری در ژا‌نویه ۲۰۲۵، سیاست تجاری آمریکا وارد فاز تهاجمی جدیدی شد. ترامپ که از همان روزهای نخست به دنبال بازتعریف نقش ایالات متحده در زنجیره‌های جهانی بود، تعرفه‌هایی تا سقف ۱۲۵ درصد بر واردات از چین اعمال کرد که مجموع تعرفه‌ها را برای برخی اقلام به ۱۴۵ درصد رساند. هم‌زمان واردات کالاهای صنعتی خاص از مکزیک نیز هدف تعرفه‌های ۲۵درصدی قرار گرفت. نتیجه این اقدامات، تشدید فشار بر قیمت‌ها، گسست در زنجیره‌های تأمین جهانی و تضعیف جذابیت آمریکا به‌عنوان مقصد سرمایه بود. صندوق‌های بان‌رئسستگی و سرمایه‌گذاران نهادی، با چشمی نگران از ریسک‌های سیاسی و ناپایداری مقررات، در حال خروج تدریجی از بازار آمریکا هستند.

چین زیر سایه قدرتی با آینده مبهم

در همین زمان، چین نیز دیگر مقصد مطمئن سرمایه جهانی نیست.

یادداشت

چرا وزیر اقتصاد مهم نیست؟



حسین حقگو

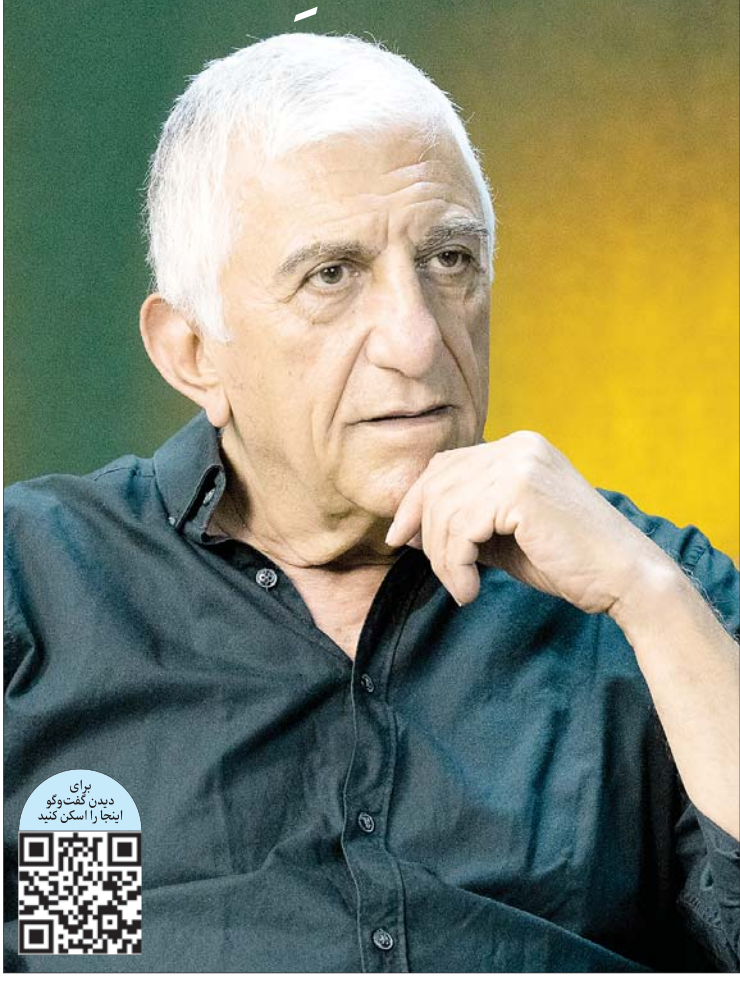
کارشناس اقتصادی

خبرگزاری تسنیم در دو تحلیل ضمن اعلام خبر موافقت صندوق بین‌المللی پول با درخواست بانک مرکزی ایران برای ارائه کمک‌های فن در هدفمندسازی انرژی، هتدار می‌دهد که «بررسی سیاست‌ها و مشورت‌های این نهاد بین‌المللی به کشورهای درحال‌توسعه، به وضوح نشان می‌دهد که حضور این نهاد در اکثر کشورها نه‌تنها کمکی به بهبود وضعیت نکرده، بلکه منجر به آشفتگی بیشتر اقتصاد آنها شده است». این خبرگزاری مصداق غلط کاری‌های این نهاد بین‌المللی اقتصادی در کشورمان را «اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹» ذکر می‌کند که «با هدف واقعی‌سازی قیمت حامل‌های انرژی، کاهش بار مالی دولت و توزیع عادلانه‌تر منابع طراحی شد و… برخی نتایج مثبت از جمله افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد از محل یارانه نقدی و کاهش مصرف انرژی» را به بار آورد. «اما در ادامه با تداوم پرداخت نقدی بدون تأمین مالی پایدار، رشد نقدینگی و شوک‌های ارزی، نه‌تنها اثربخشی طرح کاهش یافت، بلکه باعث تورم شدید، کسری بودجه ساختاری و بی‌ثباتی اقتصاد کلان شد». طبق تحلیل این خبرگزاری اصولگر، صندوق بین‌المللی پول «در پوشش یک سازمان تخصصی و بین‌المللی… یکی از ابزارهای خطرناک استکبار جهانی است» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳/۲/۱۵). بر هر خواننده منصفی کاملاً مشخص و آشکار است که مقصر شکست قانون خوب هدفمندی یارانه‌ها، نه صندوق بین‌المللی پول یا هر نهاد و شخص دیگر طراحی‌کننده و تصویب‌کننده آن، بلکه حکمرانی اقتصادی و سازوکار اقتصاد سیاسی حاکم بر کشور و «نظریه توطئه» غالب بر ذهنیت سیاست‌گذار بوده است. سازوکاری که به جای اصلاح اقتصادی در جهت خیر عمومی، از درجه تنگ ایدئولوژیک به مسائل اقتصادی نگرسته و به فکر کسب محبوبیت سیاسی و منفعت گروه‌های خاص بوده و اقتصاد را در پای سیاست ذبح کرده است. روش و منطقی که نه خاص طرح «هدفمندسازی یارانه‌ها» بلکه شامل حال «سیاست‌های اصل ۴۴»، «شش برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی»، «چشم‌انداز ۱۴۰۴» و تقریباً به درجاتی تمامی برنامه‌ها و قوانین اقتصادی شده و همین امروزه روز نیز جاری است. چنان‌که در فضایی‌ای اخیر مذاکرات ایران و آمریکا و رفت و برگشت قیمت دلار که ریشه در «انتظارات تورمی» جامعه دارد، باز سروکله «نظریه توطئه» پیدا می‌شود که با نقل سخنی از رئیس بانک مرکزی در چند ماه قبل که مدعی بود «یک کانال تلگرامی که سرور آن در آمریکا ثبت



عصر چریک‌ها؛ گفت‌وگوی احمد غلامی با رضا کیانیان

زندگی سیاسی کیانیان



برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید

این گفت‌وگورا در صفحه ۶ بخوانید.عکس:سهیل‌ناکی شرق

پژشکیان در اجلاسیه مجلس ششم خیرگان رهبری:

هیچ اولویتی بالاتر از وحدت در داخل و در بین کشورهای اسلامی نیست

۲

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از ماجرای مسمومیت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان:

علت مسمومیت: نامعلوم

۸

«شرق» از سفر عراقچی به پاکستان و تلاش برای میانجیگری پیچیده میان اسلام آباد و دهلی نو گزارش می‌دهد

تهران و معمای چندضلعی صلح در شبه‌قاره

۲

ترامپ مسیر شخصی خود در سیاست خارجی را تقویت می‌کند

حذف جنگ‌طلبان و نادیده گرفتن نهادها

۲

طرح «فتح غزه»؛ پیروزی نظامی یا شکست در آزادی گروگان‌ها؟

استراتژی جدید اسرائیل در غزه

۵

برافراشتن پرچم کشورهای ترکیه و جمهوری آذربایجان بعد از قهرمانی تراکتور

پارازیت روی انبوه تصاویر زیبا

۹

یادداشت

فروپاشی خاموش

چرا نجات صنعت سلامت فوریت ملی است؟



مسیح بهار

مدیرعامل انجمن سرطان‌های ارثی-فامیلی

صنعت سلامت ایران در حال احتضار است؛ مرگی خاموش که صدایش در غوغای بحران اقتصادی کم شده. صنعتی که برخلاف صنایع دیگر- انرژی، مسکن، حمل‌ونقل و کشاورزی- که دهه‌ها عقبت‌ر از استاندارد جهانی هستند، همواره با خط اول جهانی همگام بوده است. نمونه روشن آن، مدیریت موفق همه‌گیری کووید بود که مدیون همین صنعت و نظام سلامت است. اما امروز، صنعت سلامت ایران با بحرانی بی‌سابقه روبه‌رو است. تورم سالانه بالای ۴۵ درصد و افزایش ۵۷۸ درصد قیمت تجهیزات پزشکی به دنبال حذف ناگهانی یارانه‌ها (تغییر نرخ ارز تأمین تجهیزات پزشکی و دارو از ۴۲ هزار ریال به ۲۸۵ هزار تا یک میلیون ریال برای برخی اقلام مصرفی) همراه با رشد ناکافی تعرفه‌های خدمات درمانی (فقط ۴۶ درصد)، این صنعت حیاتی را تا مرز فروپاشی پیش برده است. سیاست سرکوب دستمزد پزشکان نیز به‌عنوان عاملی کلیدی در تشدید مهاجرت نیروهای متخصص و تضعیف صنعت سلامت نقش داشته است. نتیجه این بحران، مهاجرت گسترده نیروهای پزشکی، ورشکستگی مراکز خدمات پزشکی و درنهایت، فروپاشی صنعت سلامت است. باید در خاطر داشت اگر راه امن نباشد، اگر آب سالم نباشد، اگر هوا آلوده باشد، اگر ساختمان ایمن ساخته نشود، اگر سوم نباتی سرطان‌زا باشند، همه و همه در نهایت از طرف نظام سلامت مدیریت و کنترل می‌شوند. باوجوداین برخلاف دیگر اصناف، قیمت‌گذاری خدمات سلامتی در انحصار سرخانه دولت است. اهمیت حیاتی و نقش فراگیر این نظام در امنیت اجتماعی و رفاه عمومی، نیاز فوری به حفظ آن را دوچندان می‌کند. جمعیت ایران نیز به‌سرعت در حال پیر شدن است؛ تا سال ۲۰۲۵ حدود ۹ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال خواهند بود و تا ۲۰۵۰ این صفحه عدد به ۳۳ درصد یعنی یک‌سوم کشور خواهد رسید.

ادامه در صفحه ۵